



ویژه‌نامه

روز ویراستار

۱۴۰۳ —

به مناسبت یازدهم بهمن، روز ویراستار

تهیه و تدوین از روابط عمومی انجمن صنفی ویراستاران

۱۶ اسفند ۱۴۰۳

ویژه نامه روز ویراستار

ضمیمه خبرنامه داخلی انجمن صنفی ویراستاران

با نظارت و همکاری هیئت مدیره انجمن صنفی ویراستاران:
گلی امامی، اصغر مهرپرور، هومن عباسپور، مهناز مقدسی،
مهدی فتواتی، لیلا اثنا عشری

انتشار: ۱۶ اسفند ۱۴۰۳

شناسنامه

سردبیر: حجت پویان

طراح جلد، صفحه آرا: علی رضا نیک زاد

با سپاس از یاشار توحیدی، سحر شهامت رزم

ناشر: انتشارات همیشه با همکاری انجمن صنفی ویراستاران

نوبت چاپ: اول، ۱۴۰۳

شمارگان: ۵۰ نسخه

مطالب این ویژه نامه بیانگر آرای نویسندگان است.

تمام حقوق این ویژه نامه متعلق به انتشارات همیشه و انجمن صنفی

ویراستاران است.

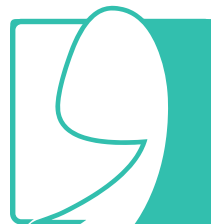
نقل مطالب با ذکر مأخذ بلامانع است.

انتشار نسخه کامل الکترونیکی این ویژه نامه در فضاهای مجازی بدون

نظر داشت مادی منعی ندارد.



انتشارات همیشه



انجمن ویراستاران

نشانی: تهران، خیابان خر مشهر

(آپادانا)، خیابان صابونچی (مهناز)،

کوچه دهم، پلاک ۴، واحد ۱

۰۲۱-۸۸۵۱۴۶۱۴

anjoman.virastar@gmail.com

www.anjomanvirastar.ir

فهرست

سرآغاز

- ۶ سرمقاله
- ۷ خیر! فرهنگ و هنر غیردولتی و مستقل نفس‌های آخر را نمی‌کشد | پژمان موسوی

جستارها

- ۱۰ سابقه‌ای از ویراستاری | ژاله آموزگار
- ۱۳ لزوم تدوین منشور اخلاقی ویراستاران | هومن عباسپور
- ۱۵ فقر نظری در ویرایش | مهدی قناتی
- ۱۷ ویرایش و زبان‌شناسی ارتباطی عمودی، افقی یا موازی؟ | نیوشا عاشورزاده
- ۲۰ تاریخ شفاهی چیست و چه دستاوردهایی دارد؟ | مهناز مقدسی
- ۲۵ جایگاه ویرایش در سندپژوهی تاریخی | مهدی فقیه
- ۲۸ تصویر ویرایی | عبدالحسین آذرنگ
- ۳۰ ویرایش در مطبوعات | سیروس علی‌نژاد
- ۳۲ ویراستار و هوش مصنوعی | علی خزاعی‌فر
- ۳۴ ویراویراست دستیار هوشمند ویراستاران | صبا دباغ‌منش، زهرا نواب صفوی
- ۳۹ هوش مصنوعی: دوست یا رقیب ویراستاران؟ | ترگس اسدی
- ۴۱ نرم‌افزارهای ویراستاری و کارکرد آن‌ها برای ویراستاران | راضیه خوش‌ضمیر
- ۴۴ وسواس کامل‌گرایی: آسیبی برای صنف ویراستاران | سیدحمید حیدری‌ثانی
- ۴۸ مشکلات آموزش ویرایش ترجمه در دانشگاه | سمیه دل‌زنده‌روی
- ۵۰ در تبیین ترجمه ویرایی | نادر خسروی
- ۵۲ ر.ک. به ویرایش ترجمه | کیمیا نیک‌پور
- ۵۵ هنر ویرایش در هیاهوی خبر | زهرا حسن‌زاده



- الماسی خام خبرگوهری در داستان ویراستار ماهر | محمد خدادادی ۵۷
- حساسیت‌های ویراستاری در متون خبری و رادیویی | معصومه بنیاد ۵۹
- آسیب‌شناسی نوشتار جلد‌های آثار موسیقایی | محمد صبری ۶۳
- اشتباه‌های ریز، هزینه‌های درشت: چرا ویرایش تبلیغات مهم است؟ | دلبر یزدان‌پناه ۷۱
- زبان در گذر از فضای مجازی: از آشفتگی تا انسجام | الهه گلشنی ۷۴

یادداشت‌ها

- تعامل بین داستان‌نویس و ویراستار (چند مورد مناقشه برانگیز) | بلقیس سلیمانی ۷۷
- ۴۰۰ ضربه واقعاً یعنی چه؟: چند نکته درباره عنوان فیلم‌ها به فارسی و وظیفه ویراستار | محسن آزر ۷۹
- آن مرکز نامرئی | نازنین سرکارات‌پور ۸۱
- ویراستار شخم‌زن متن نیست | سیاوش صفری ۸۳
- مصاحبه‌ای کوتاه و سه بار ویرایش؟! | احمد رضا حجاززاده ۸۵
- چند واقعیت ساده در ویرایش روزنامه | محمد رضا ربیعان ۸۸
- ویرایش و دانشگاه | علیرضا رحمتی ۹۰
- ویرایش‌آموزی در فضای مجازی | فاطمه آقامیری ۹۲
- انتحال یا انتحار؟ (داستان) | جمیله سنجر ۹۵

پیوست‌ها

- حقوق مالکیت فکری در گفت‌وگو با دکتر سید عباس حسینی نیک ۹۸
- مراسم روز ویراستار، ۱۱ بهمن ۱۴۰۳، به روایت تصویر ۱۱۳

وسواس کامل‌گرایی

آسیبی برای صنف ویراستاران



سیدحمید حیدری‌ثانی | ویراستار، مدرس ویرایش

از ویرایش کمینه‌گرا تا ویرایش بیشینه‌گرا

در این یادداشت، مقصودم از «ویرایش» معنای عام ویرایش در نشر ایران است؛ یعنی همان ویرایش صوری و زبانی. در برخورد با ویرایش زبانی، می‌توان دورویکرد در پیش گرفت:

۱. **رویکرد کمینه‌گرا:** در این رویکرد، ویراستار صرفاً به اصلاح خطاهای زبانی می‌پردازد و تخطی از خطاهای زبانی را درمان می‌کند. ممکن است متنی تغییرات اندکی نیاز داشته باشد؛ همچون بیماری که به نزد پزشک رفته و پزشک تشخیص سلامت در او داده است. با این رویکرد، قرار نیست همه چیز غلط و خطا پنداشته شود و تغییر کند. خطاها دامنه‌ای حداقلی دارد. در این رویکرد، بسیاری از متن‌ها به طور متوسط ۱۰ تا ۱۵ درصد تغییر می‌کنند و کم پیش می‌آید که متن‌های پرکار به محدوده ۳۰ درصد تغییر برسند.

۲. **رویکرد بیشینه‌گرا:** در این رویکرد، علاوه بر اصلاح خطاها، از ویراستار انتظار می‌رود که متن را هر چه می‌شود بهتر و بهتر کند. معیار ارزیابی در این رویکرد، دو شکل دارد: الف. کثرت تغییرات با قلمز شدن کل صفحه و نماندن جای خالی روی کاغذ؛ ب. بازنویسی و زیبانویسی کل متن. کسی که با این

سال‌هاست در وادی ویرایش مشغولم، چه به ویراستاری و چه به کنشگری در این سرزمین ناپیموده. در این دوره طولانی حضورم در این صنف، هرگز به این نتیجه نرسیده‌ام که در جایگاه ویراستار زمین متن نویسندگان را شخم بزنم و بنای بالارفته‌شان را بکوبم و از نو بسازم. من ویراستارم و صرفاً باید ایرادها را بگیرم. اگر در زمین کاشته‌شان علف هرزی باشد که نگذارد پیامشان سرراست و سریع به خواننده برسد، و جین می‌کنم و اگر جرزی بر دیوار کاخ بلندشان افتاده باشد، بتونه‌ای می‌کشم و رنگی می‌زنم تا با بقیه متن یکسان و یکدست شود. خوب، این را هم می‌دانم که اگر زمینی سنگلاخ باشد و بایر، ارزش بذریابی ندارد و بر خاک سست نباید بنایی بلند پی افکند. این را نیز به نویسنده‌ها بارها گفته‌ام و برخی مقصود را دریافته‌اند و با روی باز پذیرفته‌اند و برخی هم ترجیح داده‌اند آینه بشکنند.

از نظر من که البته در این وادی تازه‌کارم و نیز از نظر بسیاری از استادان و موی سپیدان و دود چراغ خورده‌های این عرصه، ویراستار باید به همین حداقل بسنده کند و در تغییر دادن متن دیگران کمینه‌گرا باشد. کم دیده‌ام عزیزانی را که بیشینه‌گرایی در تغییر متن‌ها را ترویج کنند و آموزش دهند.

شیوه ویرایش می‌کند، از هیچ تلاشی برای دست یافتن به متنی بهتر فروگذار نمی‌کند و هر جا را بتواند طور دیگری بنویسد، می‌نویسد.

این نمونه را ببینید:

نمونه ناوراسته

آلکات خودش را به عنوان ستون حمایتی مالی و احساسی برای خویشاوندان مونث‌اش می‌دید.

ویرایش کمینه‌گرا

آلکات خودش را به عنوان ستون حمایتی مالی و احساسی برای زنان خویشاوندان مونث‌اش می‌دید.

ویرایش بیشینه‌گرا

آلکات خودش را به عنوان ستون حمایتی حامی مالی و احساسی برای زنان خویشاوندان مونث‌اش می‌دید می‌دانست.

چرا نباید به سراغ ویرایش بیشینه‌گرا برویم؟

با رویکرد بیشینه‌گرا موافق نیستیم به چندین دلیل:

۱. اخلاقی نیست: متن از آن دیگری است و نویسنده برای بیان مقصود خود، واژه‌ها و ساختارهایی از زبان فارسی را برگزیده است و معنای مد نظرش را با آن کلمات در آن قالب بیان کرده و همان‌ها مطلوبش است. او همین را خواسته است و انتخاب کرده است و متن هم که مال اوست. جایگاه ویراستار جایگاه مادر نیست که در تربیت و خورد و خوراک و پوشاک کودک دخالت کند و نظر بدهد؛ بلکه جایگاه دایه است که کمک‌دست مادر می‌شود. اگر قرار است ویراستار متن را به چیزی غیر از آنچه نویسنده نوشته تغییر دهد، بهتر است خودش دست به قلم ببرد و بنویسد. در رویکرد بیشینه‌گرا، ویراستار دارد در جایگاه نویسنده می‌نشیند.
۲. شدنی نیست: با رویکرد بیشینه‌گرا شاید بشود یکی دو صفحه را اصلاح کرد؛ اما در مقیاس کتاب

نمی‌توان عمل کرد. اگر متنی ۳۰ هزار کلمه داشته باشد، یعنی حدود ۱۰۰ صفحه باشد، با رویکرد کمینه‌گرا شاید به ۵ هزار تا ۱۰ هزار تغییر نیاز داشته باشد. این میزان آن قدر وقت و انرژی می‌برد که شاید ده روز تا دو هفته از ویراستار زمان بطلبد. دیگر فرصتی می‌ماند برای بازنگاری متن؟! بعید نیست بازنگاری متن تا دو برابر این مقدار وقت بخواهد. حالا تصور کنید بخواهیم کل کتاب‌های یک ناشر را با این رویکرد ویرایش کنیم. به چند ویراستار نیاز است؟ چقدر باید زمان اضافی صرف شود؟ تازه اگر بشود، چه ثمری دارد؟

۳. آموزش‌دانی نیست: رویکرد کمینه‌گرا را می‌شود نظم بخشید و تدوین کرد و در کارگاه‌های ویرایش و کارآموزی‌ها آموزش داد. قواعدی وجود دارد که تبیین شده و صورت‌های تخطی از آن‌ها آموزش داده می‌شود و ویراستار راهکارهای اصلاح آن‌ها را می‌آموزد. اما در رویکرد بیشینه‌گرا، تغییرات حداکثری مبتنی بر شم زبانی ویراستار است و او باید بتواند هر متن را به شکل دیگری بنویسد. این دیگر آموزش‌دانی نیست؛ چون ضابطه‌مند نیست و صرفاً به دایره واژگان و گستره مطالعات ویراستار و خلاقیت ذهنی او وابسته است. مقصود من از آموزش دادن فقط این نیست که نمی‌شود مثلاً کارگاه ویرایش برگزار کرد، نه، منظورم این است که برای پاسخ به نیاز صنعت نشر نمی‌توان نیرو تربیت کرد و آن وقت است که یافتن ویراستار خوب می‌شود آرزوی هر ناشری.

۴. ارزیابی‌پذیر نیست: وقتی تغییرات قاعده‌مند باشد، می‌شود ویراستار را ارزیابی کرد و آموزش داد و در مسیر پیشرفت، به پیش راند؛ اما در تغییرات ذوقی و شمی، امکان ارزیابی وجود ندارد؛ جز همان که گفتم: هر چه متن خط‌خطی‌تر، بهتر! این شد ملاک و معیار؟! تازه اینجا مشکل دیگری هم پیش می‌آید و آن مراجعه ناشر به ارزیابان بی‌اخلاق است. در ارزیابی متن ویراسته، باید بسیار محتاط بود: باید سفارش را شنید، متن پیش

از تغییر را دید، دستمزد و زمان را دانست، از شیوه‌نامه باخبر بود و بعد تازه صرفاً به برشمردن خطاهای قطعی ویراستار اکتفا کرد، آن هم با اما و اگر. غیر از این باشد و بدون تلاش برای آموزش و ارتقای آن ویراستار، این

”
**جایگاه ویراستار جایگاه مادر نیست
که در تربیت و خورد و خوراک و پوشاک
کودک دخالت کند و نظر بدهد؛ بلکه
جایگاه دایه است که کمک دست مادر
می‌شود. اگر قرار است ویراستار متن را
به چیزی غیر از آنچه نویسنده نوشته تغییر
دهد، بهتر است خودش دست به قلم
ببرد و بنویسد.**
“

ارزیابی عملی اخلاقی نخواهد بود. اما ناشرانی که دچار وسواس بیشینه‌گرایی شده‌اند، ارزیابانی را جذب می‌کنند که حتی گاه بدون آشنایی با ویرایش یا دستور زبان فارسی، صدها تغییر غیر ضروری در متن ویراسته ایجاد می‌کنند و ویراستار متن را کم‌کار و نابلد جلوه می‌دهند و زمینه‌چین از کار بی‌کار شدن ویراستارهای حرفه‌ای می‌شوند.

۵. نارضایتی آفرین است: وقتی باب این باز شود که هر چیزی باید به چیز دیگری تغییر کند تا ناشر فکر کند متنش بهتر شده است، ناشر همیشه ناراضی خواهد بود. چرا؟ چون هر متنی را می‌شود به هزاران صورت دیگر تغییر داد و نوشت. ما این را آزموده‌ایم. در نتیجه ناشر همیشه ناراضی خواهد بود و با بدبینی به ویراستار خواهد نگریست و در این فضای غبارآلود، تعاملی سازنده شکل نخواهد گرفت.

۶. هزینه‌بردار است: بازنویسی متن زمان بسیار بیشتری از ویرایش آن می‌طلبد و ناشر اگر بخواهد ویراستار متن را برایش بازنویسی کند، از پس هزینه‌های دو تا سه برابر ویرایشی بر نمی‌آید. نمی‌شود از ویراستار توقع داشت بیشتر زمان بگذارد و همان دستمزد ویرایش را بگیرد. تازه در روزگاری هستیم که دستمزد ویراستار گاهی تا یک سوم دستمزد واقعی‌اش کاهش می‌یابد؛ چون ناشر توان پرداخت ندارد. فشار اقتصادی صدچندان شده است و اقتصاد نحیف صنعت نشر این همه فشار را تاب نمی‌آورد. در این فضا، جا برای رویکردهای غیر حرفه‌ای و وسواس گونه نیست. باید چالاک و چابک و دقیق و درست سیاست‌گذاری کرد و پیش رفت.

۷. سبک‌ستیز است: آسیب کلان این رویکرد، این است که بعد از مدتی، دیگر سبک برای نویسندگان معنا نخواهد داشت؛ چون ویراستار هر متنی را که از هر نویسنده‌ای به دستش می‌رسد، به سبک و سیاق و سلیقه و طرز فکر خود شکل می‌دهد و می‌آراید! اما همه می‌دانیم اغلب نویسندگان و به خصوص جافتادگان در این وادی، قلم و سبک خودشان را دارند و آثارشان برایشان حکم امضا یافته است. ویرایش بیشینه‌گرایانه ردپای نویسنده را از متن می‌زداید.

یا از آن طرف بام، یا از این طرف

این روزها بارها و بارها مواجه می‌شوم با ناشران و سرویراستاران و سیاست‌گذاران نشری که به وسواس کامل‌گرایی دچار شده‌اند و انتظار دارند ویراستار متنشان را از تغییر قرمز کند! آتش آن قدر شور شده است که حتی وقتی متنی را می‌بینند که ویراستار برایش از جان مایه گذاشته و هزاران تغییر در آن داده است، باز او را متهم می‌کنند به کم‌کاری و نابلدی! در دیدن به این آتش، ضعف تألیف آثار نقش مستقیم دارد. دستمزد مترجمان و نویسندگان بسیار ناچیز است و ناشران در رقابت با هم‌صنفان خود، به دنبال ارزان‌ترین متن‌ها

”
دستمزد مترجمان و نویسندگان بسیار ناچیز است و ناشران در رقابت با هم صفنان خود، به دنبال ارزان‌ترین متن‌ها هستند. مترجمان و نویسندگان نیز متن‌های ضعیف و ماشینی تولید می‌کنند تا با دستمزد ناچیزشان تناسب داشته باشد. ناشر هم تصور اشتباهی دارد که این متن را ویراستار درست خواهد کرد. نامتن‌هایی می‌رسد به دست ویراستار و توقعاتی نابجا از او وجود دارد.
 “

می‌کند بیاموزم و ببالم و کاستی‌ها و خطاهایم را بزدایم. اما در ماجرای وسواس کامل‌گرایی، با تغییر درست به درست مواجهیم و تغییر درست به درست را نه می‌شود آموزش داد و نه ارزیابی کرد. مبنا و معیاری ندارد، جز سلیقه آن کسی که دارد درباره متن نظر می‌دهد. سلیقه را هم نمی‌شود آموزش داد یا از آن الگو گرفت و تکرارش کرد؛ پس فایده‌ای ندارد. در پایان باید بگویم این موضوع همچنان شایسته بررسی و تبیین جوانب و آثار آن است. امید که دیگر ویرایش‌پژوهان در این باره بنویسند و آسیب‌شناسی کنند و راهکار بدهند.

پی‌نوشت

۱. برای سنجش ظرفیت زبان فارسی در بیان یک مفهوم، جمله‌ای را در کارگاه بیست و هفتم ویرایش و درست‌نویسی مؤسسه «ویراستاران» در بهمن ۱۳۹۰ به بررسی گذاشتیم و به ۲۳۶،۸۸۸،۰۶۴،۰۰۰ «حالت محتمل» برای جمله‌ای با ۹ واژه رسیدیم! از این تعداد «حالت محتمل»، اگر فقط ۰/۰۰۰۰۰۰۴ درصدش معنادار و درست باشد، می‌شود ۱۰۰۰ جمله درست.

هستند. مترجمان و نویسندگان نیز متن‌های ضعیف و ماشینی تولید می‌کنند تا با دستمزد ناچیزشان تناسب داشته باشد. ناشر هم تصور اشتباهی دارد که این متن را ویراستار درست خواهد کرد. نامتن‌هایی می‌رسد به دست ویراستار و توقعاتی نابجا از او وجود دارد. خبر بدتر اینکه این ویروس کامل‌گرایی دارد خودش را تکثیر می‌کند و به جان همه می‌افتد. تا دیروز کم نبودند ناشرانی که حتی نمی‌دانستند «ویرایش» یعنی چه و باید برایشان توضیح می‌دادی ویرایش چیست و چه ضرورتی دارد؛ اما امروز همان‌ها یا ناشران بسیار نوپای دیگر، از کم‌کاری ویراستارها دم می‌زنند و می‌خواهند بابت نصف یا کمتر از دستمزد ویرایش، متنشان را برایشان بازنویسی کنی! سرانجام این تب کامل‌گرایی چیست؟ خشکیدن نهال نوپای ویرایش. با این رویکرد پراسیب، افراد با استعداد و دل‌سوزی که در تلاش‌اند تا در وادی بی‌آب‌ونان ویرایش گام بردارند، خیلی زود ناامید و سرخورده خواهند شد و به فعالیت دیگری روی خواهند آورد و این عرصه از خنبگان تهی خواهد ماند. حال که ویرایش به فرهنگی پذیرفته نزد عموم ناشران تبدیل شده است، جا دارد این گرمیان با نگاه درست به وظایف ویراستار، از شکل‌گیری چهارچوبی صحیح برای وظایف ویراستار حمایت کنند. برای نمونه، مستندات کارگروه تعرفه‌قیمت انجمن صنفی ویراستاران که در نشانی anjomanvirastar.ir/nerkhnname در چشم‌رس نهاده شده، معیاری مناسب برای ارزیابی وظایف ویراستارها و تعیین دستمزد آن‌هاست.

سخن پایانی

آنچه در این نوشتار مطرح کردم درباره وسواس کامل‌گرایی در اصلاح متن و ویرایش بیشینه‌گرا بود. جا دارد در پایان بر این نکته انگشت بگذارم که من همیشه در جایگاه ویراستار از این استقبال می‌کنم که کس دیگری ویراستارم را ببیند و نظرها و پیشنهادهایی برای بهتر شدن ویرایشم بدهد. این نقد، سازنده است و کمک

نشانی: تهران، خیابان خرمشهر
(آبادانا)، خیابان صابونچی (مهناز)،
کوچه دهم، پلاک ۴، واحد ۱

۰۲۱-۸۸۵۱۴۶۱۴
anjoman.virastar@gmail.com
www.anjomanvirastar.ir

